

گزارش خبری

دلالانی که گندم را گران‌تر از دولت می‌خرد

ظاهره شباهی/ همدان

■ پایین بودن قیمت خرید تضمینی گندم در سال جاری موجب شده گندمکاران، گندم خود را به دلالت بفروشند به نحوی که میزان خرید تضمینی دولت در سال جاری بهشدت کاهش یافته و پیش‌بینی خرید حدود ۳۰۰ تا ۷۰۰هزار تن گندم از کشاورزان همدانی به ۷۰هزار تن رسیده که این کاهش ۳۰۰هزار تنی نشان از بحرانی عمیق در این بخش دارد. خرید تضمینی گندم یکی از برنامه‌های دولت در فصل برداشت گندم در سال‌های اخیر بوده است، اما امسال برای نخستین بار کشاورزان عملا تمایلی به فروش گندم تولیدی خود به دولت نشان ندادند و میزان خرید که هم‌ساله همدهزار تن اعلام می‌شد امسال در استان همدان تقلیل یافته است. هیات دولت که هم‌ساله براساس اصل یک‌صد و بیست و هفتم قانون اساسی مبلغ نهایی خرید تضمینی گندم را تعیین می‌کند این مبلغ را در ابتدا ۳۹۵تومان ۲۴۰تومان افزایش داد، اما این افزایش قیمت نیز نتوانست انگیزه‌ای برای گندمکاران نسبت به تحویل دادن گندم به سیلوهای دولتی ایجاد کند. مدیرعامل شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۱۳ استان همدان در این خصوص اظهار داشت: مشکل خرید تضمینی گندم تنها مختص استان همدان نیست بلکه در کل کشور خرید این محصول کاهش داشته است. غلام‌رضا داد با بیان اینکه خرید تضمینی گندم از ۱۱ تیرماه آغاز شده است، یادآور شد: با توجه به اینکه امسال خرید تضمینی بسیار جزبی بوده، مجبوریم از گندم وارداتی برای بر کردن سیلوه‌ها استفاده کنیم، وی اضافه کرد: با این میزان خرید تضمینی و واردات گندم تاکنون تنها ۴۰ تا ۴۵درصد از ظرفیت سیلوه‌های استان پر شده است. وی با بیان اینکه ظرفیت سیلوه‌ای استان ۱۶۱هزار تن است، افزود: استان همدان در زمینه ذخیره گندم مشکلی ندارد و تاکنون حدود ۷۰هزار تن گندم در سیلوه‌ها ذخیره شده است. مدیرعامل شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۱۳ استان همدان با اشاره به اینکه هم‌کنون در حال ذخیره گندم در سیلوه‌ها هستیم، اظهار داشت: علاوه بر عدم رغبت کشاورزان نسبت به فروش گندم خود به دولت، خشکسالی و عدم بارندگی نیز در سال‌جاری سبب کاهش گندم شده که این موضوع هم از دلایل افت خرید تضمینی به شمار می‌آید. غلام‌رضا داد با بیان اینکه کشاورز گندم خود را به اشخاصی که بهتر و مناسب‌تر بخرد می‌فروشد، افزود: در واقع این قیمت است که تعیین می‌کند کشاورز محصول خود را به چه شخصی بفروشد.

راد با اشاره به عدم رغبت گندمکاران نسبت به فروش محصول خود به دولت اظهار داشت: کارخانجات آرد، واسطه‌های داخل و خارج از استان همدان، گندم را به صورت مستقیم از کشاورزان با قیمتی توافقی و بیشتر از مصوب دولت خریداری کرده‌اند. وی یادآور شد: سازمان جهاد کشاورزی استان پیش‌بینی خرید ۳۰۰ تا ۴۶۰هزار تن گندم را داشته است، اما به دلیل تفاوت قیمت بازار آزاد و نرخ خرید تضمینی تاکنون این امر تحقق نیافته چراکه با این قیمت کشاورزان تمایل به تحویل گندم به دولت ندارند. براساس پیش‌بینی‌های سازمان جهاد کشاورزی استان همدان گندم امسال کاهش دوهزار هکتاری را نسبت به سال گذشته تجربه کرده و سطح زیر کشت آن به ۴۰۶هزار و ۴۰۰هکتار رسیده است. این در حالی است که سطح زیر کشت گندم ایی از ۷۶هزار و ۳۰۰هزار هکتار به ۸۶هزار و ۴۰۰هکتار افزایش داشته و گندم دیم کاهش سطح زیر کشت داشته است. ناگفته پیداست گندم به عنوان غذای اصلی مردم نقش بسیار حساسی در تغذیه و فرآورده‌های اصلی دارد و از محصولات مهم و استراتژیک کشاورزی به شمار می‌آید اما این روزها شاخص اقتصادی قیمت بر خرید و فروش این محصول استراتژیک دخالت مستقیم دارد و سبب شده تا نگاه کشاورزان به دست و جیب‌های خریدارانی که از جنس دولت و گاه واسطه‌ها معطوف شود. در این میان نشینان درد دل‌های کشاورزانی که مالها برای به ثمر رسیدن دسترنج خود خون دل خورده‌اند حاکی از آشفتنگی در این زمینه دارد. یکی از گندمکاران استان همدان نیز با بیان اینکه در حال حاضر قیمت گندم دولتی از آزاد ارزان‌تر است، گفت: کشت این محصول با هزینه‌های سنگینی از جمله چندین بار سم‌پاشی و آبرسانی بیشتر جواب نمی‌دهد. عبدالحمین صفری گفت: قیمت بالای جو به عنوان نهاده دام سبب شده دامداران به جای این محصول، گندم را که قیمت کمتری نسبت به جو دارد خریداری و مورد استفاده دام‌ها قرار دهند. صفری اظهار داشت: در حال حاضر هزینه‌های کشاورزی بالاست و کشاورزان محصولات خود را به مرغداری و دامداری‌ها می‌فروشند تا خرج خود را جبران کنند. وی اضافه کرد: با این وضعیت عمده نارضحتی کشاورزان این است که با افزایش نرخ تمامی نهاده‌های کشاورزی و در حالی که قیمت تمام‌شده گندم بالای ۴۰۰تومان است چگونه دولت قیمت خرید تضمینی گندم را از ۲۴۰تومان اعلام کرده است. این کشاورز با اشاره به برگزاری جشن خودکفایی گندم در سال‌های گذشته یادآور شد: وقتی کشور در تولید گندم به خودکفایی رسید این امر ایران را از وابستگی نجات داد اما امروز با برنامه‌ریزی‌های نادرست گندمکاران با مشکل مواجه شده‌اند. وی ادامه داد: مشکلات عیدیه‌ای که گندمکاران با آن مواجه هستند رغبت کشاورزان را به کشت این محصول استراتژیک کاهش داده و چپس‌ها ممکن است کشور در سال‌های آینده با مشکل کمبود گندم مواجه شود. صفری با بیان اینکه قیمت خرید تضمینی باعث نابودی گندم شد، اضافه کرد: با توجه به شرایط اقتصادی جدید باید مسئولان امر چاره‌ای برای نجات از این مشکل بیندیشند.

در بزرگ آهنی خانه یکباره دهان باز کرد و چند نفر ریختند بیرون. جلودتر از همه پیرزنی با پای برهنه و سراسیمه به سوی ما آمد: «چطور دل‌تان می‌یاد، بر رحم کنید، ما هم مسلمونیم. بچه‌هامون تشنه هستند. همهمون تشنه هستیم.» به خیالش از طرف «دولت» آمده‌ایم. توضیح می‌دهیم که خبرنگاریم. «شبیله»اش را مرتب می‌کند و سر درد دلش باز می‌شود: «ما که چیز زیادی نمی‌خواهیم، فقط آب برای خوردن. بچه‌های ما از خوردن آب رودخانه مریض شده‌اند. درد ما را به مسوولان برسانید. میداد از اینجا که می‌روید، فراموش‌مان کنید.» تصویری که قبلا فقط در عکس‌ها دیده بودم جلو چشم‌ام جان می‌گیرد، بشکه‌ها و قالیقه‌ها یکی یکی از آب گل‌آلود پر می‌شود و روی سر زن‌ها جا می‌گیرد. سنگینی بشکه و گرمای بی‌امان آفتاب، چهره زن‌هایی که فاصله چند کیلومتری رودخانه تا روستا را پیاده می‌روند درهم کرده؛ کودکان اما شاد و بی‌دغدغه در آبی که بوی تعفن می‌دهد دست و پا می‌زنند. اینجا چندان دور نیست، همسایه دیوار به دیوار. مرکز استان نفت‌خیز؛ «مِگرن» از روستاهای غرب رودخانه کرخه در بخش شاور شهرستان شوش.

فراموش‌شدگان

۲۸ کیلومتر بعد از اهواز از کنار روستای «فهد کعب عمیر» بیش از سه کیلومتر جاده خاکی را تا رودخانه کرخه – که از گذشته هم بی‌آب‌تر و بی‌مرق‌تر شده – طی می‌کنیم. اینجا پل خبری نیست، با خودرویمان سواری بر «دوبه» که نوعی شاور ساده برای عبور از آب است، می‌شویم. «فاضل» ۲۲ساله، فقط پنج کلاس درس خوانده. با چهره‌ای آفتاب‌سوخته و دست‌هایی که از فرط کار باز دوبه زیر و خشن شده روزی حدود ۲۰ خودرو را به آن سبوی کرخه می‌برد؛ اگرچه خیلی‌ها می‌ترسند سوار دوبه شوند و ترجیح می‌دهند مسیر طولانی و دوبرابری عبدالخان – حمیدیه را دور بزنند. امیر لطیفی، مسوول جمع‌آوری شیر دام‌های روستاهای منطقه در ساحل منتظر است تا روستاهای مِگرن یک‌دو، سه و چهارم را بگذرانند. پیمان که با ساحل می‌رسد، خیلی زود دهیار مگرن یک و رئیس شورای روستا از ورودمان باخبر می‌شوند و با تعدادی از اهالی دورمان حلقه می‌زنند. این منطقه هشت روستا با بیش از هشت‌هزار نفر سکنه دارد که وضعیت کم و بیش مشابه دارند، با این تفاوت که هرچه از رودخانه کرخه دور‌تر شویم وضعیت روستاه‌ها بدتر می‌شود. تنها شغل مردم کشاورزی و دامداری است. در زمستان گندم می‌کارند و در تابستان لوبیا و ماش و صیفی جات دیگر. البته با کم آب شدن رودخانه کرخه مردم امسال اجازه کشت تابستانه را پیدا نکردند.

این را «عزیز لطیفی» رئیس شورای روستای مگرن یک (که حالا «خَسِر مزبان» نامیده می‌شود) می‌گوید و می‌افزاید: این روستاها آب لوله‌کشی ندارند. آب‌هایی که دست‌شان به هن‌شان می‌رسد و به رودخانه نزدیک‌ترند پمپ آب نصب کرده‌اند و بقیه مجبورند آب رودخانه را با بشکه تا خانه‌هایشان حمل کنند. آب آنقدر گل‌آلود، شور و غیر بهداشتی است که قابل خوردن نیست. سال گذشته یک نفر که برای آزمایش آب آمده بود به ما گفت: این آب آلوده را حتی به حیوانات خود ندیده، ولی ما و بچه‌هایمان چاره‌ای جز مصرف آب نداشتیم. ما و همچنین از نبود پل در روستا غایبه می‌کند. مردم مجبورند مسیر را تا عبدالخان دور بزنند. این طور مسیر دوبرابر می‌شود

■ **سفر به سومالی و حالا حضور در بندرعباس و کرمان و زاهدان. چطور شده که پایان کار بازیگری‌تان با همکاری با موسسه‌های خیریه و توجه به مسایل اجتماعی توام شده؟**

دغدغه‌های اجتماعی، پیش از بازیگری همراه بود. چنانچه در ۱۶ سالگی یک سالی را در انجمن حمایت از معلولان – خیابان فرجام – کار می‌کردم. البته توجه من به امور اجتماعی ریشه در تربیت و نوع نگرش و جهان‌بینی خانوادام داشت.

■ **امروز در سال‌های دور از ۱۶سالگی و فراغت از بازیگری چه انگیزه‌ای شما را به سومالی قحطی‌زده و مناطق محروم‌ها برانگیخته؟**

حالا اینگونه مسایل برای من حیطه گسترده‌تری یافته و احساس می‌کنم در فلسفه زندگی‌ام، جایگاه ویژه‌ای دارد. انظور که تنها به یک احساس خوش نیکوکاری و امر صرفا شخصی محدود نمی‌شود. شاید دنبال نوعی کنکش‌ام و شاید چیزی دیگر.

■ **تکلیف هنر و مسوولیت اجتماعی چه تفاوت‌هایی با فقر در ایران دارد؟**

در آفریقا تا جایی که چشم کار می‌کند، تشنگی است، بیابان و خشکسالی و فقر مساله عمومی شمال و جنوب شهر شده اما در بندرعباس دو کوچه آنسوتر برج‌ها رو به هوا رفته و شگاف طبقاتی بیداد می‌کند. در آفریقا مردم تشنه‌اند، گرسنه‌اند، فقیرند اما معیاد نیستند اما اینجا در حاشیه‌هایی که ما تا به حال از آن بازدید داشته‌ها، آسیمی چون اعتیاد، تن آدمی را می‌لرزاند. از کودک و نوجوان گرفته تا پیرمرد‌ها را می‌توان با چهره‌ای سیاه و پشتی خمیده دید. اعتیاد سر سفره‌ها و زندگی روزمره مردم ما آمده.

■ **تکلیف هنر و مسوولیت اجتماعی چه می‌شود؟ تا چه میزان هنرمند می‌تواند در حل مسایل اجتماعی همراه سازمان‌های غیردولتی و یا حتی دولت‌ها شود؟**
این چیزی که شما می‌گویید را می‌دانم اما نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم. آنچه می‌گویید چیزی شبیه فیکور برخی هنرمندان خارجی است اما مساله شخصی من این نیست، راهی که حالا و در انتمام دوران بازیگری‌ام در آن پا گذاشته‌ام، نوعی ادامه زندگی است، زندگی

سرزمین



حاصلخیز ترین جلگه ایران تشنه‌لب است

«مِگرن»؛ همسایه تشنه کرخه

نادره وائل‌زاده

به طوری که فاصله تا اهواز به صدکیلومتری می‌رسد. اخیرا چهار نفر به دلیل دوری مسیر قبل از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست داده‌اند. مشکلات ما در اینجا زیاد است اما به دلیل دورافتادگی کسی به مشکلات ما توجه نمی‌کند. هیچ مسوولی تاکنون از این منطقه بازدید نکرده. نمایندگان هم فقط در زمان انتخابات ما را به یاد می‌آورند. رییس شورا ادامه می‌دهد: از امکانات بهداشتی تنها یک مرکز بهداشت برای واکسن بچه‌ها داریم.

پیشه افسانه‌ای

اگرچه سه رودخانه کرخه، در و شاور و شهرستان شوش می‌گذرند، تمام مسیر بیابانی است و شن‌های روان و مسطح، ران‌شان دارد. پیمان که با ساحل می‌رسد، خیلی زود زیستگاه شیر و گوزن زرد بوده هیچ اثری نیست. کم‌آب شدن کرخه باعث شده بخش زیادی از درختان نابود شود، قسمتی را اهالی برای کشاورزی سطحی کرده‌اند و چون از لوله کشی گاز هم محرومند، بخشی را هم به عنوان هیزم مصرف کرده‌اند. دهیار روستای مگرن یک (در سال ۱۵ تا سیس شده) که در طول



گفت‌وگوی «شرق» با کتابون ریاحی، «سفیر صلح» موسسه «مهرآفرین»

اعتیاد سر سفره مردم آمده است

حاشیه‌های زاهدان تلخ است، کوجه‌ها تنگ و باریک که می‌شود، گویی انبوه مشکلات در خانه‌های کوچکی می‌ریزد که به قول بومی‌های شهر، به تازگی از برق و آب لوله‌کشی بهره‌مند شده. شبیه فیلم‌هاست، بچه‌هایی که دنبال ماشین‌ها می‌دوند و کودکی‌شان در جوی آب بو گرفته همجوار خانه‌شان خلاصه شده. «کتابون ریاحی» به همراه نمایندگان از موسسه نیکوکاری «مهر آفرین» به دیدار مسوولان استان سیستان و بلوچستان آمده تا بتوانند با تشکیل یک شبکه اجتماعی برای کودکان شهر کاری کنند. فقری که حتی به گفته مسوولان این روزها بیش از همیشه نمود بیرونی داشته و توسعه شهر را تهدید می‌کند، «کتابون ریاحی» در سال‌های خداحافظی با بازیگری، به همیاری با نهادهای غیردولتی حامی کودکان و زنان روی آورده. سفیر صلح موسسه نیکوکاری مهر آفرین است و به گفته خودش زندگی‌اش با ایام بازیگری تغییر زیادی داشته، تغییری که گاهی زندگی عادی او را با تناقض مواجه می‌کند، سفر به حاشیه‌ها، مشاهده زندگی حاشیه‌نشینان در فقر مطلق و بازگشت به زندگی روزمره؛ با انبوهی از نامه‌ها و شماره تماس‌ها و درخواست‌ها.

هنرمندان همراه می‌شود.

■ **شما با هر تعریفی هم که از هنرمند داخلی و خارجی ارایه دهید، به هر شکل برای هنرمند مسوولیت‌های اجتماعی متصور است. همین که خودتان هم امروز به چنین حوزه‌هایی روی آورده‌اید.**

در این مساله تردیدی نیست، اما بگذارید اینطور پاسخ بگویم که «غیر از هنر که تاج سر هر دو است، دوران هیچ سلطنتی پایدار نیست». ■ **تصویر تان از فقر و آسیب اجتماعی برای شخص شما در این سفرها تا چه میزان متفاوت شده؟**
بگذارید صریح به شما بگویم که هنوز به یافته خاصی نرسیده‌ام و تازه دارم تلاش می‌کنم تا بتوانم تنها با گوشه‌هایی از مسایل و دغدغه‌های مردمان حاشیه آشنا شوم، فقر می‌کنم که اگر کسی با یکی، دو جلسه و حتی یکی، دو سال نشست و برخاست با چنین مردمی، بگوید که به دریافتی از درد آنها رسیده دروغ می‌گوید. به ویژه به دریافتی از مفهوم فقر. به نظر من تا زمانی که در آن جایگاه نباشی و واقعا گرسنه نباشی، دریافت این مشکلات شاید تنها یک کار نمایشی باشد.

■ **در این سفرها اغلب مردم از شما تقاضاهایی مطرح**

روستا (نوعی کانال خاکی آب) اشاره می‌کند: اموران سازمان آب و برق، آب آن را قطع کرده‌اند. قبلا هم برای تامین آب شرب و هم آب کشاورزی از آب عبراه استفاده می‌کردیم. الان مجبوریم آب شرب را از رودخانه بیآوریم. در ابتدا اجازه کشت تابستانه به ما ندادند، حالا که فصل کشت تمام شده می‌گویند می‌توانید کشاورزی کنید. ما در اینجا غیر از کشاورزی شغلی نداریم و الان همه بیکاریم.

«شریعه» خشک

آبراه یا در اصطلاح محلی «شَریعه» ما را به ساحل کرخه می‌رساند. بچه‌ها در کنار گله گاو و گوسفندان به آب زده‌اند. با دهیار «مگرن سه» روبه‌رو می‌شویم که با تعدادی از زنان روستا برای شست و شوی ظرف و لباس، حمام دادن بچه‌ها و برداشت آب آمده‌اند. صبیحه لطیفی، تنهاذیلپه روستای مگرن سه، که شش ماه است دهیار این روستای ۵۰خانواری شده، از اینکه کاری از دستش برنمی‌آید ناراحت است: نمی‌دانم چطور جواب روستاییان را بدهم. مردم آب می‌خواهند. با وجودی که بارها به مسوولان گفتم وضعیت روستا بحرانی است، هیچ کاری نکرده‌اند. آب آنقدر آلوده است که بیشتر مردم ناراحتی پوستی دارند و بعضی‌ها هم کچلی گرفته‌اند. زهرا در همان حال که رخت و لباس‌ها را در ساحل گل‌آلود آب می‌کشد، می‌گوید: وضع ما همین

است که می‌بینید. مهم‌ترین مشکل ما نبود آب است. به آب رودخانه اشاره می‌کند. به نظر شما این آب قابل خوردن است؟ مجبوریم چند کیلومتر راه را تا رودخانه بپاییم. کرخه هم محل شست و شواست و هم جای تفریح بچه‌ها. او از نبود گاز در روستاها هم شکایت می‌کند: ناچار پمپ‌هایی روی رودخانه نصب کنند. برق این پمپ‌ها جان چندین نفر را گرفته است. البته سازمان آب و برق اجازه نصب این پمپ‌ها و برداشت آب از رودخانه را هم به اهالی نمی‌دهد و هر چند وقت یکبار پمپ‌ها را جمع می‌کنند. او به جزیره‌هایی که در بستر کرخه سر در آورده‌اند، اشاره می‌کند: این جزیره‌ها بعد از ساخته شدن سد کرخه به وجود آمده‌اند. از آن زمان دیگر هیچ‌کسی نتوانست در کرخه ماهی صید کند. دهیار تأکید می‌کند: مهم‌ترین خواسته اهالی این منطقه «آب» است. راهمان را به سبوی مگرن دو و سه ادامه می‌دهیم. مهدی از ساکنان مگرن سه، فقط توانسته یک هکتار از مزرعه‌اش را شبدر بکار، آن‌هم برای تامین غذای دام‌هایش. مهدی به «تَبَره» خشک‌شده وسط

راه خانه

در همسایگی کرخه، عطش حرف اول را می‌زند. نخل هم در این زمین‌های تشنه و خشک نمی‌روید. در مسیر بازگشت تفته‌های فرماندار شوش را مرور می‌کنم: روستاهای شوش مشکلی از نظر آب شرب ندارند. تنها مشکلی که داریم احداث مجتمع آبرسانی برای ۳۰ کیلومتر است که با اعتبارات موجود، پیشرفت کندی دارد. گزارش شرکت آب و فاضلاب روستایی خوزستان اما چیز دیگری نشان می‌دهد: از ۲۱۹ روستای این شهرستان فقط ۱۵۵ روستا آب دارند. مگرن تنها یک نمونه از روستاهای خوزستان است که در کنار آب‌های جاری تشنه لب روزگار می‌گذرانند. گزارش‌ناشان می‌دهد (اگر با خوشبینی آمار آب‌های روستایی را واقعی بدانیم، در حال حاضر از چهار هزار و ۱۵ روستای خوزستان یک‌هزار و ۱۱۸ روستا فاقد آب هستند و فقط ۳۰۲ روستا به وسیله تاکثر آبرسانی می‌شوند.

می‌کنند، این سفرها کوتاه است و انتهایش به بازگشت دوباره‌تان به زندگی عادی همراه می‌شود. چه تصویری از زندگی مردمان ساکن در مناطق حاشیه‌نشین به زندگی شما آمده و چه تأثیری داشته؟

این را بی‌اغراق می‌گویم: زندگی آنها در تمام لحظه‌های من تنیده است، انگار که وزن زندگی برام بیشتر می‌شود، نوعی سنگینی در تمامی لحظه‌ها. تصاویر زندگی مردم در حاشیه‌ها، نه قیلم است و نه سینما، نه حتی از جنس مستند. چیزی شبیه دره‌های زندگی است و تنها امیدوارم که بتوانیم به زوایای پنهان‌مانده‌ای از این دره‌ها نزدیک‌تر شویم و در مورد رفع آن به راه چاره‌ای برسیم. بزرگ‌ترین فقر در حاشیه‌های شهر، فقر فرهنگی است.

■ **در این سفرهای اخیر آیا به تجربه موفقیت‌آمیزی هم‌رسیده‌اید؟**

ایده شبکه‌سازی اجتماعی از سوی موسسه مهر آفرین دنبال می‌شود. دنبال این هستیم که یکسری از کارهای مددکاری از سبوی نسل جوان ساکن در حاشیه‌ها شکل بگیرد. هم در اندازی می‌شود و هم می‌توانیم برای دوره‌ای آنها را از محل زندگی خارج کرده و برای آموزش به نقطه‌ای دیگر بیاوریم. همین حالا در تهران هر مددکار، ۱۰ پرونده دارد. در نظر داریم از خود انسان‌های بومی برای تربیت مددکار استفاده کنیم. شبکه‌سازی‌ها هم تا به حال خوب پیش رفته. بسیاری از نیروهای داوطلب هزینه‌های درمان و کمک‌رسانی به برخی حاشیه‌نشین‌ها را بهبود بخشیده‌اند، به ویژه اینکه در هر شهری بنا داریم تا دفتری منطقه‌ای و شعبه‌ای از موسسه مهر آفرین را بنا کنیم. همچنین بنا داریم تا در این بازدیدها بتوانیم اعضای جوان‌تری را هم با خود به همراه بیاوریم تا در آنها نیز به دغدغه‌های تازه‌ای شکل بگیرد. منظوم دریافت بی‌واسطه از آسیب‌های اجتماعی و فقر است. گاهی فکر می‌کنم که آنها را واقعیت‌ها خیلی دور افتاده‌اند.

■ **تجربه زن بودن و مادر بودن، تا چه میزان در دریافت شما از مشکلات اجتماعی و به ویژه مسایل زنان تأثیرگذار بوده؟**

نمی‌دانم، شاید اگر مرد هم بودم دریافت‌ام در دره‌های زندگی این مردمان به همین میزان بود اما تنها می‌دانم که زن بودن، وظیفه‌ای دست‌آور است.

گزارش خبری

قطب عسل کشور در تسخیر محصولات تقلبی

توحید مهدوی

■ عسل طبیعی اردبیل با برند «عسل سیلان» که از سال‌های گذشته در کشور شهرت خاصی داشته، امروز به دلیل ضعف نظارت بر واحدهای تولیدی و شبکه توزیعی و ورود عسل‌های تقلبی و تسخیر بازار با این محصولات با کاهش تقاضا روبه‌رو شده است. به گزارش خبرنگار مهر، در گذشته‌های نه‌چندان دور عسل اردبیل در سراسر کشور با نام «عسل سیلان» شناخته می‌شد، اما وجود عسل‌های تقلبی و غیراستاندارد در شبکه توزیعی اردبیل بازار این محصول را با تهدیداتی مواجه کرده است. استان اردبیل با دارا بودن زیرساخت‌های طبیعی برای زنبورداری و تولید عسل طبیعی می‌تواند به قطب تولید عسل کشور تبدیل شود، اما برای دستیابی به این مهم تاکنون بسترهای لازم و سرمایه‌گذاری‌های مطلوب صورت نگرفته و تولیدات این محصول مهم تنها با تفکرات فردی تداوم داشته است. برخی از شهروندان اردبیلی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، با اشاره به اهمیت عسل در ارزش غذایی عسل طبیعی، عدم نظارت کافی از سوی نهادهای مسوول را مهم‌ترین کمبود در این خصوص عنوان می‌کنند و معتقدند طی سال‌های اخیر با کاهش کیفیت عسل اردبیل مصرف عسل سیلان جای خود را به عسل استان‌های همجوار داده است. یکی از شهروندان علت کیفیت پایین عسل سیلان را استفاده بیش از اندازه زنبورداران از شکر به جای استفاده از گل‌های طبیعی می‌داند و تأکید دارد برخی از زنبورداران و تولیدکنندگان عسل در استان تنها به دنبال منافع خود بوده و روشی که از نظر اقتصادی به‌صرفه باشد به کار می‌برند که چنین تفکری کیفیت عسل را پایین می‌آورد. عزیزه غفورنژاد رشد روزافزون تعداد زنبورداران را از معضلات اصلی تولید عسل دانست و ادامه داد: ورود افراد ناشنا به امور تولید عسل با دید تجاری صرف و عدم توجهات لازم از سوی سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه عسل سیلان را قربانی کرده و سبب ترغیب همنشهریان و مسافران به مصرف عسل دیگر شهرها شده است. وی با بیان اینکه تولید عسل با کیفیت بالا می‌تواند در اشتغال‌زایی استان تأثیر مثبتی داشته باشد، تصریح کرد: عسل سیلان در سطح کشور شناخته‌شده بوده و خود را به سفره غذایی مردم در استان‌های مختلف تزریق کرده و در بازار مصرف تقاضا دارد، بنابراین می‌توان با راه‌اندازی واحدهایی تولیدی در اشتغال‌زایی گام‌های مثبتی برداشت. غفورنژاد شرایط آب و هوایی و طبیعی استان برای تولید عسل را فرصت ویژه‌ای برای منطقه پرشمرد و افزود: عسل به دلیل مغذی بودن و کاربردهای درمانی مورد توجه گردشگران و مسافران قرار می‌گیرد که باید از این پتانسیل موجود در استان به نحو مطلوب استفاده کرد. این شهروند اردبیلی با اشاره به فواید عسل اضافه کرد: ابوعلی سینیا در کتاب «قانون» عسل را موجب تقویت بدن، نیروزا و اشتهاور بیان کرده که درد را ریشخک می‌کند اما عسل‌های موجود در بازار به دلیل عدم رعایت موارد استاندارد برای تولید عسل خاصیت عسل طبیعی ندارد. وی عدم نظارت کافی بر واحدهای تولیدی عسل را موجب تسخیر بازار با عسل‌های غیراستاندارد دانست و یادآور شد: اداره استاندارد، میراث فرهنگی و اتحادیه زنبورداران باید برای تولید و فروش عسل نظارت کافی داشته باشند تا عده‌ای از ضعف نظارت برای بازی با اعتبار عسل سیلان و بر کردن جیب خود استفاده نکنند. یک کارشناس زنبورداری نیز در گفت‌وگو با خبرنگار مهر وجود عسل‌های تقلبی در بازار را آفتی برای صنعت عسل و زنبورداری استان دانست و گفت: برخورد قاطع با متخلفان در تولید عسل می‌تواند از چنین آفتی جلوگیری کرده و صنعت تولید عسل در استان را تقویت کند. به منجر به صادرات عسل باکیفیت سیلان شود. محمدرضا کیوانپور وجود عسل‌های تقلبی در بازار را موجب بی‌رغبتی شهروندان و مسافران برای مصرف عسل سیلان برشمرد و تصریح کرد: برای بازگشت دوباره عسل طبیعی سیلان به سفره‌های مردم باید علل افت کیفیت عسل توسط کارشناسان و صاحب‌نظران آسیب‌شناسی و راه‌های برون‌رفت از این وضعیت مشخص شود. وی استفاده از شکر و ترکیبات شیمیایی برای تولید و رنگ‌دهی به عسل سیلان را یکی از علل افت کیفیت عسل اردبیل برشمرد و افزود: تولیدکنندگان به جای استفاده از روش‌های طبیعی از شکر برای تولید بیشتر عسل و در ترکیبات شیمیایی برای رنگ‌دهی به عسل استفاده می‌کنند که موجب نارضایتی مصرف‌کنندگان را دربر دارد. کیوانپور با بیان اینکه عسل مواد غذایی مفوی است و مصرف زیادی دارد، اضافه کرد: عسل مادی معجزه‌گر است و در درمان انواع بیماری‌ها کاربرد دارد بنابراین تلاش برای تولید عسل با کیفیت بالا و مورد پسند شهروندان و گردشگران باید مورد توجه قرار گیرد. در عین حال بسیاری از تولیدکنندگان این محصول نیز افزایش کندوها را در این استان یکی از علل پایین بودن کیفیت عسل عنوان می‌کنند و معتقدند تعداد زنبورداران نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته و عملا ظرفیت طبعیت اردبیل کشتش غذایی زنبورها را ندارد. یکی از فروشنده‌ان عسل در اردبیل در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با اشاره به افزایش تعداد تولیدکنندگان عسل استان، از رفتن گل‌های طبیعی و وحشی با دخالت انسان را یادآور شد و تصریح کرد: با افزایش تعداد زنبور و در عین حال با این رفتن گل‌های طبیعی و وحشی زنبوردار مجبور به استفاده از شکر به جای گل‌های طبیعی بوده که این کار اصلی‌ترین دلیل افت کیفیت است. احمد سرایی گرانی مواد مورد استفاده در تولید عسل را از دیگر دلایل افزایش قیمت و کاهش کیفیت عسل سیلان برشمرد و افزود: افزایش قیمت ابزارهای مورد استفاده در زنبورداری سبب شده که تولیدکنندگان برای فروش بیشتر کیفیت را فدا کنند تا قیمت عسل بالا نرود.